



می‌دادند و با وجود این‌که هفته‌ای دو سه کارگاه داشتیم و وقت شان را در اختیار داوطلبان قرار می‌دادند اما هزینه‌ای بسیار جزئی می‌گرفتند. کلاس‌ها در بستر واتس آپ برگزار می‌شد و از همان مسیر کارها را می‌خواندند و نظر می‌دادند.

بستر آموزش برای کسی که به دنبال یادگری‌خواسته است. البته اقداماتی که برای آموزش انجام می‌شود خیلی کم است و این مقدار کافی نیست. من شروع به نوشتن را برای پدران و مادران می‌تدی توصیه نمی‌کنم. به نظر من والدین باید کتاب‌های خوب را گزینش کنند و برای فرزندشان بخوانند یا حلقه‌های مطالعه‌ی ایجاد کنند. این مسیر بهترین راه شروع به نوشتن است.

با وجود این‌که بازار کتاب کودک پویاتر است و فروش کتاب در این بخش بیشتر است اما هزینه تولید کتاب همچنان بالاست و ورود به دنیای ناشران حرفه‌ای، برای کسانی که در ابتدای راه هستند، بسیار سخت است.

من به عنوان یک نویسنده با ایده‌های زیادی از جانب مخاطبان موافق می‌شوم. کسانی که ایده دارند، زیاد هستند. از دانش‌آموزان تا همکاران و همکلاسی‌ها، همه ایده‌هایی در ذهن دارند که عضاً سیار خلاقانه است. از من می‌پرسند با این ایده چه بکنیم؟ یا طرح اولیه قصه را می‌نویستند، به من می‌دهند و راهنمایی می‌خواهند.

من همیشه پیشنهاد می‌کنم کارهای اول خود را برای مجلات بفرستید. ناشر تنها برای گرفتن ایده ریسک نمی‌کند، ضمن این‌که این شیوه فواید مالی ندارد.

تجربه خودتان هم همین بود؟

خود من هم سال‌ها پیش این کار را امتحان کردم. آستان قدس ماهنامه‌ای داشت که من برای شان شعر می‌نوشتم با وجود این‌که هیچ وقت منتشر نمی‌شد ولی علاقه زیادی به ارسال اثر داشتم.

امروز مجله رشد این بستر را برای بچه‌ها ایجاد کرده و صفحه‌ای برای ارسال ایده‌های بچه‌ها دارد که واقعاً خواندن می‌شوند. مدرسه سپر من مجلات رشد رانمی گرفت و من به مدیر مدرسه گفتمن اگر بدانید چه زحمتی پشت این کار است و چه خون دل‌ها خورده شده تا این مجله منتشر شود و به دست شما برسد، این کار رانمی کردید.

مدارس غیردولتی اصلاح‌نمای رشد نمای روند تا جایی که گفته می‌شود در حد مانیست. شاید از نظر سلیقه و محتوا مشکل دارند و این نکته که مجلات رشد رانمی گرفته باشد. من به سربر پیشنهاد می‌کرم که برای تبلیغ مجله در مدارس، راهی پیدا کنید تا مورد اقبال واقع شود.

کسی می‌خورد که به ادبیات علاقه‌مند است و می‌خواهد متون را کنده‌کنند و بینند چه اتفاقاتی رخ داده و چه چیزی در جریان است. تا مقاطع کارشناسی چند واحد مختص از جمله آینین نگارش وجود دارد ولی هر چه مقاطع بالاتر می‌رود توجه به آفرینش ادبی صفر می‌شود!

به پدران و مادران و کسانی که به نوشتن در حوزه کودک و نوجوان علاقه‌مند هستند کلیدی برای ورود به این دنیا بدهید.

بیشمار به من مراجعه کرده‌اند که قصه‌ای نوشته‌ایم یا پازلی درست کرده‌ایم و می‌خواهیم این کارها را به کتاب تبدیل کنیم. چه باید کرد؟ حتی همکاران من که معلم دستان هستند به دلیل ارتباط با بچه‌های دبستانی برای ورود به وادی انتشار کتاب تمایل زیادی دارند. ولی می‌بینم کیفیت خیلی پایین است و ریزه کاری‌ها را عایت نمی‌شود. تهانگاه تولید برای کودک در کارها دیده می‌شود و آثار حرفه‌ای نیست.

بخشی از کار تجربه و بخشی آموزش است. هیچ اتفاقی به یک باره رخ نمی‌دهد. کتاب کودک این نیست که برای فرزندت کتاب بخوانی و فکر کنی که می‌توانی قصه بنویسی و با انتشار آن یک کتاب خوب تولید می‌شود. کار به این سادگی نیست.

به نظر می‌رسد در حوزه کودک و نوجوان به اندازه کاربرگ سال امکان آموزش و کارگاه‌های نویسنده‌ی و شعر برای تربیت نیروهای مستعد وجود ندارد!

هر بخشی از اسناید این کار رامی کنند. از جمله خانم ژوبرت که داغدغه آموزش داشته و هر هفته برنامه‌ای دارند و کسانی که چنین تجربه‌هایی دارند پیش ایشان می‌رونند. آقای میرزا ده دوره قاصدک را برگار می‌کنند که به جز تهران در شهرهای مختلف نیز برپا می‌شود.

خانم قاسم‌نیا در دوره کرونا همین کار را به طور مجازی انجام

نویسنده کان در حوزه کودک و نوجوان پاگیر می‌شوند!

باشد، می‌توان انتظار داشت فرزندان آنها به سمت مطالعه و کتاب بیایند.

کتاب می‌تواند بچه‌ها را تا حد قابل توجهی از ابزار دیجیتال و فضای مجازی که امروز دائماً با آن سر و کله می‌زنند، دور نگه دارد. ای کاش خانواده‌ها با کتاب آشنا شوند. سختی‌ها زیاد و گرانی قابل توجه است ولی باور نکنید که کتاب، فرزندان مان را از آسیب‌های فضای مجازی نجات می‌دهد. آسیب‌های فضای مجازی از کودکی شروع می‌شود، در نوجوانی تشدید و در جوانی جبران ناپذیر خواهد شد و فرستاده‌ها را هزار نجات می‌دانم و به همه توصیه می‌کنم با ادبیات آشنا شوند. اگر بچه‌ها را به سمت مطالعه و ادبی سوق دهیم، این محتوا می‌تواند به داد ما برسد.



حوزه جذابی است. هر روز ایده‌ای تازه به سراغتان می‌آید. در هر کاری که با بچه‌ها سر و کار داشته باشید با حرف جدید، نگاه جدید و نیاز جدیدی مواجه می‌شوید. ادبیات کودک، دریایی بی‌پایان است. این حوزه هنوز ناشناخته است و جای کار دارد، باید در این حوزه بحث و گفت و گو داشته باشیم، به آن بپردازیم و سرمایه‌گذاری کنیم تا در آینده آنچه را که امروز می‌کاریم برداشت کنیم. امیدوارم والدین به مطالعه کودکان شان، آشنایی آنها با شعر و قصه و انس گرفتند. بچه‌ها با کتاب بپاکند. اگر پدر و مادر اهل پرمه زدن بپیوهده در فضای مجازی نباشند و کتاب جزو سبد خرید ماهانه خانواده

و خالق شخصیت‌های «امین» و «ثمین»:

فرزندتان نگیرید!

زندان بالابرود و با آنها همراه شود

مجازی منتشر شد و من در تلویزیون آنها را دیدم!

به عنوان یک معلم و یک مادر عرض می‌کنم؛ موضوعاتی که این کتاب ها به آنها پرداخته اند و اعم از مادر و خانواده هاست و کودکان باید قبل از سینم مدرسه تک تک این قوانین را یاد بگیرند تا استرس و اضطراب ورود به جامعه و مدرسه برایشان کم شود.

۳. مخدغه فضای مجازی همراه با پدرها و مادرها همراه است.

در حال حاضر یکی از داغدغه‌های من فضای مجازی است. بچه‌ها از سینم کم با شبکه‌های مجازی آشنا می‌شوند. بچه‌های پنج یا شش ساله سواد دیجیتال بالایی دارند. آمار استفاده از فیلترشکن در بین نوجوانان دیبرستانی، نجومی است. یکی از داغدغه‌های ما در این انتشارات کار روی این موضوع است تا والدین را آگاه کنیم و در این زمینه آموزش بدیم.

با آفای ناصری کارگاه‌هایی ایجاد کرده‌ایم تا پدران و مادران را نسبت به فضای مجازی و نوع برخوردار با فرزندان در این رابطه آگاه کنیم. این کارگاه‌ها دو بار در باعکتاب برگزار شده است. بسیاری از پدر و مادرها نمایندگان اند که در این رابطه چه باید کرد؟ برخی تصمیم گرفته‌اند برای بچه‌هایشان گوشی نگیرند یا برای گوشی‌ها رمز می‌گذارند.

در یکی از این کارگاه‌ها مادری از من پرسید از چه سنی می‌توانم گوشی ام را به بچه بدهم؟ گفتم شما نمی‌توانید گوشی را از فرزندتان بگیرید! استفاده از ابزار دیجیتال امروزه جزئی از حقوق کودکان است به ویژه بعد از کرونا! این مسئله اجتناب ناپذیر است. باید سواد دیجیتال پدر و مادر را به پایی از فرزند بالا برود و با فرزند هم راه شوند.

در این رابطه دو مقاله منتشر کرده‌ایم و در این موضوع تحقیق می‌کنیم تفاوتات خوبی بیفتد و پدر و مادر در رابطه با این موضوع آگاه شوند. باید این نکته را اضافه کنیم؛ مبارزی از والدین متوجه نیستند که خود حریم خصوصی فرزندشان را در فضای مجازی نقض می‌کنند.

۴. امروز چه می‌کنند؟

در حال تحصیل هستم، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی ام و مرحله پایان نامه رامی گذرانم. همچنین در حوزه کودک و نوجوان داستان می‌نویسم و شعر می‌گویم. تدریس می‌کنم و علم و فنون ادبی و ادبیات فارسی متوجه اول و دوم را تعلیم می‌دهم. در دانشگاه نیز مدرس مدعو هستم و فارسی عمومی تدریس می‌کنم؛ ولی فضای کتاب کودک و نوجوان برای من آنچنان جذاب است که بیشتر مایل در این حوزه پیشرفت کنم.

من پایان نامه‌ام را تلفیق کرده‌ام و به موضوع ادبیات در حقوق کودک می‌پردازم.

بوستان و گلستان را جست و جو می‌کنم تا بینم پیشینیان ما به چه مواردی از حقوق کودک توجه داشتند. کار سختی است اما ایده‌وارم به جایی برسد.

بخش آکادمیک آموزش ادبیات در دانشگاه را آفرینش ادبی کار نمی‌کند. ما روی پژوهش‌های ادبی کار می‌کنیم. اگر کسی روی آفرینش کار کند، طبق علاقه شخصی خود پیش رفته است. تنها یکی از اساتید مادر داغدغه آفرینش داشت و به مامی گفت فقط متون کلاسیک را بالا و پایین نگیرد و سعی کنید خود حلقه اثر باشید. به یک معنا این ضعف بزرگی در نظام آموزشی ماست.

خروجی نظام آکادمیک یعنی پژوهش‌های ادبی نهایتاً به درد

